



## قوای مجریه و مقننه اصلاح ساختار بودجه‌ریزی را در دستور کار قرار دهند

غلامحسین شافعی، رئیس پارلمان بخش خصوصی با اشاره به اینکه اتاق ایران نقاط ضعف و قدرت لایحه بودجه 1400 را بررسی کرده و پیشنهادهای عملی برای اصلاح آن ارائه داده است، گفت: این اصلاحات نیازمند استفاده از فرصت‌ها، تصمیم‌گیری‌های دشوار و حمایت گسترده آحاد مردم و کارشناسان است که زمینه آن باید توسط سیاستمداران فراهم شود.

دهمین نشست هیات نمایندگان اتاق ایران در دوره نهم با حضور علیرضا رزم حسینی وزیر صنعت، معدن و تجارت برگزار شد. غلامحسین شافعی، رئیس اتاق ایران در این نشست به ارائه توضیحاتی درباره لایحه بودجه 1400، پیشنهادهای پارلمان بخش خصوصی برای اصلاح این لایحه، دلایل اصلی تورم و اهمیت پیمان تجارت آزاد جهان موسوم به RCEP پرداخت. شافعی همچنین با تأکید بر ضرورت رفع و خنثی سازی تحریم‌ها اظهار کرد: «تولیدکنندگان و بخش خصوصی مولد که بازیگران اصلی عرصه اقتصادی به شمار می‌روند و انتظار دارند که تصمیم‌گیران عرصه سیاست با درک شرایط نابسامان تولید در کشور و چالش‌های بی‌وجود آمده برای این بخش در دوران تحریم، با نگاهی واقع بینانه، تصمیماتی اتخاذ کنند که منافع ملی را حفظ کرده و گامی بلند برای بهبود اقتصاد و معیشت کشور برداشته شود که عزت ایران نیز در گروی آن است.»

متن کامل سخنرانی غلامحسین شافعی، رئیس اتاق ایران در حضور وزیر صنعت، معدن و تجارت به شرح زیر است:

اقدامات مؤثر آقای رزم حسینی و تلاش‌های سازنده ایشان قابل قدردانی است و روند حرکت تولید و صادرات را امیدوارکننده می‌دانیم و امیدواریم این روش متفاوت در وزارت صنعت که حاکی از واقع بینی، دوراندیشی و اهلیت حرفه‌ای آقای رزم حسینی است، موردحمایت جدی قرار گیرد. بخش خصوصی در این شرایط حساس کشور در جهت تحقق شعار سال و تأکیدات مقام معظم رهبری همواره آماده حرکت به سوی توسعه اقتصادی کشور بوده و خواهد بود.

دولت، مسئول بسترسازی مناسب و حمایت از فعالان اقتصادی است؛ اما اغلب نتیجه سیاست‌گذاری‌های نامناسب در جهت عکس بوده است و سنگ اندازی‌های بعضی از سازمان‌ها مسیر حرکت را دشوارتر کرده است.

باکمال تأسف، علی‌رغم تأکیدات سیاست‌های اصل 44، میزان عمل بخش خصوصی به خصوص در دو سال گذشته به شدت محدود شده است.

### نحوه استفاده از فضای پساترامپ

رهبر معظم انقلاب مسیر حرکت در فضای پساترامپ درباره موضوع بگرام را در دیدار با درست‌اندر کاران مراسم سالگرد شهادت سردار سلیمانی و خانواده ایشان به گونه‌ای بیان کردند که بسیار راهگشاست. طبق بیانات ایشان، اگر بتوان تحریم را رفع کرد حتی یک ساعت هم نباید تأخیر کنیم؛ البته باید توجه داشت که رفع تحریم به دست دشمن است اما خنثی سازی آن به دست خودمان است؛ بنابراین باید بیش از آنکه به فکر تحریم باشیم بر خنثی سازی آن تمرکز کنیم.

واقعیت آن است که از یک سو به دلیل تحریم‌های بی‌سابقه در دولت ترامپ کلیت اقتصاد ایران به ویژه بخش تولید و صادرات آسیب دیدید. سهم اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی کاهش یافته است، هزینه مبادله اقتصاد به ویژه بخش تولید در اثر تحریم‌ها افزایش چشمگیری داشته و قدرت رقابت پذیری کشور در منطقه کاهش یافته است. نتیجه این موضوعات توقف تقریبی رشد اقتصاد ایران در حدود یک دهه اخیر، کاهش درآمد حقیقی خانوارها و کاهش سرمایه‌گذاری در کشور بوده است. اگرچه سیاست‌گذاری‌های غلط ارزی و پولی و تجاری و بودجه‌ای هم سهم بسیار مهمی در نابسامانی‌های اقتصادی دهه اخیر داشته‌اند؛ اما برای تحلیل منصفانه باید به دو نکته مهم توجه کرد.

اول آنکه همگی دست‌اندرکاران اقتصادی و دولتمردان در دولت‌های مختلف اذعان دارند که مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران وجود دارد؛ اصلاح عمده ساختارهای معیوب نیازمند تصمیم‌گیری‌های دارای هزینه به لحاظ سیاسی و اجتماعی است که در شرایط تحریم هیچ دولت و مجلسی حاضر به پذیرفتن چنین ریسک‌هایی نیست.

دوم آنکه در شرایط تحریم عمده منابع کشور از جمله وقت مدیران اقتصادی صرف تصمیم‌گیری‌های روزمره برای جلوگیری از وقوع بحران‌ها و بروز مشکلات می‌شود و کمتر منابع یا فرصتی برای طراحی و استقرار اصلاحات ساختاری و برنامه‌های بلندمدت باقی می‌ماند.

اصولاً یکی از اهداف تحریم آن بوده است که دست‌اندرکاران را به حدی سرگرم مدیریت روزمره کشور کند که فرصت و منابعی برای تعقیب اهداف بلندمدت نداشته باشند. فارغ از هرگونه موضع‌گیری ناشی از رقابت‌های سیاسی داخلی آنچه مسلم است توجه به معیشت مردم و تولید کشور که در حال حاضر با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان است بسیار حیاتی است.

تولیدکنندگان و بخش خصوصی مولد که بازیگران اصلی عرصه اقتصادی به شمار می‌روند انتظار دارند که تصمیم‌گیران عرصه سیاست با درک شرایط نابسامان تولید در کشور و چالش‌های بی‌وجود آمده برای این بخش در دوران تحریم، با دیدی واقع بینانه تصمیماتی اتخاذ کنند که منافع ملی را حفظ کرده و گامی بلند برای بهبود اقتصاد و معیشت کشور برداشته شود که عزت ایران نیز در گروی آن است.

به عبارت دیگر به جای مجادله درباره این موضوع که لازم است به دنبال رفع تحریم باشیم یا خیر، سؤال این است که چگونه می‌توان از فرصت رفع تحریم‌ها برای قدر اقتصاد ایران از طریق تکمیل زنجیره‌های ارزش در تولیداتی که کشور در آن مزیت رقابتی دارد و همچنین افزایش تولید کالاهای اساسی و تحول در شیوه‌های تولید آن‌ها از طریق به‌کارگیری فن‌آوری‌های پیشرفته و افزایش بهره‌وری آب و خاک و انرژی استفاده کرد.

### چند نکته مهم بودجه از دیدگاه بخش خصوصی

قبل از هر چیز باید گفت فعالان بخش خصوصی به حجم وظایف دولت در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و درعین حال دشواری انجام این وظایف در شرایط تحریم و در یک سال آتی شرایط کرونا واقف هستند و در حد توان خود با دولت همکاری می‌کنند و خواهند کرد. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران لایحه بودجه 1400 را بررسی کرده است؛ نقاط ضعف و قدرت آن را ارزیابی کرده و درنهایت پیشنهادهای عملی برای اصلاح برخی مشکلات آن را ارائه کرده است.

1- به دلیل ریسک‌های مربوط به تأمین منابع پیش‌بینی شده و عدم انعطاف هزینه‌های دولت درباره آثار اقتصاد کلان بودجه 1400 بر ثبات اقتصادی سال آینده نگرانی وجود دارد. در صورت عدم تحقق منابع حاصل از صادرات نفت با ترکیب مصارف فعلی که انعطاف‌ناپذیر است؛ جهش ارز و تداوم فزاینده و افزایش زیاد در نرخ سود دور از انتظار نیست.

2- دست‌اندازی بودجه‌ای به منابع صندوق توسعه ملی یکی از دلایل مهم عدم توسعه مناسب بخش خصوصی است که در بودجه 1400 تکرار شده بود. خوشبختانه با اعلام نظر رهبر معظم انقلاب تا حدود زیادی رفع شد. امیدواریم در فرآیند بررسی و تصویب بودجه حکم ایشان موردتوجه قرار گیرد.

3- این نگرانی وجود دارد که رشد ارقام مالیات بر اشخاص حقوقی غیردولتی به میزان بیش از 50 درصد موجب فشار مضاعف عوامل وصول مالیات بر کسب و کارهای شناخته شده شود. آیا این روش در نظام بودجه‌ریزی در جهت تحقق جهش تولید است؟

4- به رغم هدف دولت مبنی بر کنترل قیمت کالاهای اساسی و حمایت از اقشار آسیب پذیر از طریق تخصیص ارز به قیمت ترجیحی، بر اساس گزارش های متعدد کارشناسی به هدف خود نرسیده است. یکی از ویژگی های لایحه بودجه 1400 مبهم بودن سیاست های ارزی و حمایتی دولت است.

5- یکی از ضعف های نهادی بودجه ریزی در ایران، بی اعتبار بودن ترازهای بودجه ای مصوب مجلس شورای است که در عمل با سازوکار تخصیص، بخش عمده عدم تحقق منابع نسبت به ارقام مصوب، از طریق عدم تخصیص اعتبارات مصوب به طرح های عمرانی جبران می شود که موجب طولانی شدن زمان افزایش قیمت تمام شده طرح ها و عدم استفاده از ظرفیت پیمانکاری شده است.

6- مسائل ناظر بر فرایند واگذاری پروژه ها و عدم شفافیت آن و همچنین مشکلات تأمین مالی این قراردادها از عمده چالش هایی است که سبب کاهش انگیزه بخش خصوصی برای مشارکت در این گونه پروژه ها و توسعه مشارکت عمومی و خصوصی شده است.

7- در دو سال اخیر، سیاست افزایش حقوق و دستمزد برای جبران تورم انتخاب شده است. تجربه کشورهای مختلف اعم از توسعه یافته و درحال توسعه نشان می دهد راه حل مقابله با فقر، افزایش سرمایه گذاری و تولید و هم زمان کنترل تورم است. در غیر این صورت در مسابقه افزایش حقوق و دستمزد و تورم، تورم برنده و آحاد حقوق و مزدبگیران بخش عمومی و خصوصی بازنده است.

8- هنوز گزارش دقیق، علنی و روشنی درباره کیفیت بودجه شرکت های دولتی که حجم منابع و مصارف آن طبق لایحه بودجه 1400 بالغ بر 1600 هزار میلیارد تومان است، منتشر نشده است. سرمایه های این شرکت ها متعلق به عموم مردم است و مردم حق دارند تا علاوه بر گزارش های دقیق، گزارش های کارشناسی درباره عملکرد سرمایه های در اختیار این شرکت ها را داشته باشند.

### پیشنادهای مهم اتاق ایران در خصوص بودجه 1400

1- بودجه 1400 استمرار سیاست های بودجه ریزی 50 سال گذشته است. قوه مجریه و قوه مقننه با درس آموزی از تجربه تحریم های اقتصادی که موجودیت و مقبولیت نظام سیاسی کشور را هدف گرفته بود، با دو هدف اساسی بازآفرینی ساختار اجرایی کشور و بازتعریف نحوه مدیریت و استفاده از منابع حاصل از تولید (نه فقط صادرات) نفت و گاز در کشور، اصلاح ساختار بودجه ریزی در کشور را در دستور کار خود قرار دهند. چنین اصلاحاتی نیازمند استفاده از فرصت ها، تصمیم گیری های دشوار و حمایت گسترده آحاد مردم و کارشناسان است که زمینه های آن عمدتاً باید توسط سیاست مداران فراهم شود.

هرگاه قوه مجریه و مقننه اقدامات عملی برای ساماندهی هزاران پروژه عمرانی و لغو اجرای صدها مورد از این طرح ها که توجیه اقتصادی ندارند و در اثر فشارهای محلی و منطقه ای و دستگاہی به بودجه تحمیل شده است، اقدام کردند، هرگاه این دو قوه به جای دمیدن در خواسته های گروه های مختلف برای افزایش حقوق و دستمزد، سعی در حذف کسری بودجه ساختاری کردند، هرگاه این دو قوه به جای روی آوردن به گسترش پرداخت یارانه به عنوان راهی برای حامی پروری سعی کردند که ثروت آفرینی و رشد اقتصادی بالاتر را هدف قرار دهند، هرگاه دستگاہ دولتی و عمومی که دوباره کاری و موازی کاری و پراکنده کاری می کنند و کم فایده بودن وجود آنها محرز است ادغام یا منحل شد و هرگاه منابع حاصل از نفت به جای آنکه صرف پرداخت حقوق و دستمزد شد، صرف رشد و توسعه تولید شد آنگاه می توان گفت گام های عملی برای اصلاح ساختار بودجه برداشته ایم.

2- تعیین تکلیف سیاست ارزی و حمایتی دولت در بودجه 1400 ضروری است، پیشنهاد مشخص درباره این موضوع آن است که یا مابه التفاوت قیمت حمایتی کالاهای اساسی با قیمت ارز به شکل یارانه نقدی به مردم پرداخت شود و یا سبد کالای مشخصی تبیین و دسترسی مردم به این سبد با قیمت های یارانه ای تضمین شود.

3- گزارش مستقلی درباره دلایل توجیهی پیش بینی رشد 55 درصد مالیات بر اشخاص حقوقی خصوصی و درعین حال رشد منفی اشخاص حقوقی دولتی موردنیاز است به گونه ای که نشان دهد هر یک از متغیرها مانند تورم و نرخ ارز چه تأثیری بر سود شرکت ها در بخش های مختلف از قبیل پتروشیمی، فولاد، معدن و غیره گذاشته اند و چه سهمی در این پیش بینی دارند. همچنین چه سهمی از این افزایش مربوط به مقابله با فرارهای مالیاتی یا کاهش فعالیت ها و امتیازهای مالیاتی است.

4- مجلس شورای اسلامی در تصویب بودجه طی حکمی دقیق روند نامطلوب 20 سال اخیر را تغییر دهد و تخصیص حداقلی از منابع حاصل از نفت و گاز به طرح های عمرانی را تضمین کند و دولت تنها مجاز باشد که پس از تخصیص اعتبارات عمرانی در صورت مازاد منابع حاصل از نفت و گاز بر اعتبارات طرح های عمرانی منابع اضافی را صرف پرداخت هزینه های جاری کند.

### تورم، دلایل سیستمی دارد و با گران فروشی متفاوت است

از ابتدای دهه 50 خورشیدی تاکنون به دلیل اجرای سیاست های پولی، مالی و ارزی نامناسب اقتصاد ایران متأسفانه دچار تورم دورقمی پایدار شده است. در دوره هایی از این بازه زمانی که نرخ تورم از میانگین بلندمدت حدود 17 درصدی بسیار فراتر رفته است. بحث مقابله با گران فروشی به موضوع روز تبدیل شده است و جالب است که فراغ از نظام سیاسی و نگرش های حاکم بر دولت و مجلس این موضوع دائم در حال تکرار است.

صحبت از گران فروشی زمانی قابل قبول است که اول تورم در هزینه های تولید وجود نداشته باشد و دوم، دوباره یک یا چند قلم کالا با موضوع افزایش قیمت روبه رو باشیم، اما زمانی که تولیدکننده با افزایش هزینه ها روبه روست، نقدینگی دائم در حال افزایش است و قیمت عموم کالاها و خدمات افزایش پیدا می کند، نمی توان انتظار داشت که با نظارت های اداری قیمت را کنترل کرد. به تازگی در رسانه ها افزایش قیمت مرغ را به گران فروشی نسبت داده و تولیدکنندگان مورد حمله قرار گرفته اند، باید توجه داشت در تحلیل مسائل اقتصادی، داشتن نگاه سیستمی از الزامات اساسی است و بررسی رابطه علت و معلولی باید به درستی صورت گیرد، در غیر این صورت تولیدکنندگانی که در شرایط جنگ اقتصادی به شیوه های مختلف در تلاش برای جلوگیری از توقف تولید هستند سرد خواهند شد و عرصه تولید را رها خواهند کرد.

اتاق ایران نیز به عنوان نماینده بخش خصوصی از گرانی کالای اساسی ناخشنود و دل نگران است زیرا معیشت خانوار به شدت در اثر بالا رفتن قیمت این کالاها متأثر خواهد شد اما ریشه یابی دقیق علل گرانی باید در دستور کار مسئولان قرار گیرد و از فضا سازی های متشنج کننده پرهیز شود. در چنین فضاهایی افراد سودجو سوءاستفاده کننده رشد می کنند و اغلب پنهان می مانند و تولیدکننده واقعی جرمه اشتباهات دیگران را باید پرداخت کند.

اتاق ایران پیشنهاد می کند مسئولان برای حل مسئله تورم به جای مصاحبه های جنجالی و متهم کردن تولیدکننده به گران فروشی، موضوع ریشه های تورم را بررسی کنند. کسری بودجه ساختاری که به طور دائم با درآمدهای نفتی پوشش داده می شود تا رأی دهندگان را در کوتاه مدت راضی نگه دارد در کنار عدم استقلال بانک مرکزی و ائتلاف منابع کشور در اثر بی برنامهگی، ریشه های اصلی تورم در ایران هستند. بنابراین قبل از تولیدکنندگان هر مسئولی باید از خود سؤال کند که کدام رأی و کدام تصمیم من منجر به تورم شده است. از طرفی باید بین رضایت و مصلحت مردم، اولویت را به مصلحت مردم دهیم.

### بزرگ ترین پیمان تجارت آزاد جهان موسوم به RCEP و دلالت های آن برای ایران

به تازگی توافق اقتصادی بسیار مهمی بین 15 کشور آسیا و اقیانوسیه مشتمل بر ده کشور جنوب شرق آسیا (آسه آن) متشکل از مالزی، اندونزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند، کامبوج، لائوس، میانمار، ویتنام، برونئی و 5 کشور چین، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و نیوزیلند در قالب بزرگ ترین پیمان تجارت آزاد جهان موسوم به پیمان مشارکت اقتصادی جامع منطقه ای صورت گرفت. این پیمان که پس از 8 سال مذاکره در 25 آبان 99 به امضا رسید ترکیب متنوعی از اقتصادهای توسعه یافته و ثروتمند تا اقتصادهای کمترین درجه توسعه یافتگی را گرد هم آورده است و حدود 30 درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی و بازاری معادل 2.2 میلیارد نفر یا تقریباً 30 درصد جمعیت جهان را دربرمی گیرد که متأسفانه در ایران چندان به آن توجه نشد درحالی که این پیمان می تواند هم برای اعضا و هم برای اقتصادهای خارج از آن مانند ایران دارای دلالت های مهمی باشد.

اتاق ایران بلافاصله گزارشی درباره این پیمان منتشر کرد و تصویری از خود توافق، دلالت های آن برای جهان و پیامدهای عدم حضور ایران در این توافق کلان منطقه ای ارائه داد که به آن توجه جدی نشد.

اهداف اصلی این پیمان، حذف تدریجی موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای در حوزه تجارت کالا، حذف تدریجی محدودیت ها و اقدامات تبعیض آمیز در حوزه تجارت خدمات برای ایجاد محیط سرمایه گذاری آزاد، تسهیل کننده و رقابتی در منطقه عنوان شده است. آنچه این پیمان را از توافق نامه های مشابه قبلی متمایز می کند عبارت اند از اعضا، متن قانونی توافق، انعطاف های آن و گستره مشمولیت آن که قابل توجه هستند.

از نظر کاربردی، دستاوردهای این پیمان، هماهنگ سازی قواعد مبدأ ناهمگون بین کشورهای مختلف منطقه است. امکان استفاده از رویه های تجاری هماهنگ سازی شده با توجه به پیچیدگی های تجارت در منطقه آسیا-اقیانوسیه به ویژه در ارتباط با اقتصادهای کمتر توسعه یافته منطقه دستاورد کوچکی نیست. این پیمان نخستین قرارداد تجارت آزاد بین دو کشور چین و ژاپن و دو کشور ژاپن و کره جنوبی را به امضا درآورده است که از این حیث دستاورد بی سابقه ای است. احتمال دارد تا پیش از این توافق، مصالحه این قدرت های اقتصادی بسیار دور از ذهن به نظر می رسد؛ اما امروز چین به عنوان رقیب جدی آمریکا و دو کشور ژاپن و کره جنوبی به عنوان متحدان اصلی آمریکا بر سر منافع اقتصادی و ملی شهروندان خود پای یک تیر و یک پیمان نشسته اند. مؤلفه بسیار مهم و متمایزکننده دیگر این توافق مسامحه و همراهی بین کشورهاست که به مدد آن اتفاق نظر بین چنین گروهی از کشورهای متنوع و نامتجانس به لحاظ توسعه اقتصادی و سیاسی حاصل شده است. دلالت های این توافق منطقه ای مهم از منظر اثرات آن بر آمریکا، چین و اتحادیه اروپا، دارای اهمیت است و درواقع RCEP می تواند از یکسو با کاهش نقش آمریکا در تدوین قانون تجارت و از سوی دیگر با تغییر مسیر زنجیره های تأمین به سمت حاشیه های ترجیحی ایجاد شده در آسیا همراه باشد که این امر می تواند به معنای کم رنگ شدن نقش آمریکا و از سوی دیگر گسترش نفوذ اقتصادی چین در منطقه باشد.

با عنایت به نکات فوق و آثار جهانی توافق، دلالت های بیرون بودن ایران از این بلوک اقتصادی قوی از دو منظر دارای اهمیت است. از منظر نخست، کاهش قدرت و رقابت پذیری کشور در عرصه تجارت بین المللی تحت تأثیر رفتار توجیهی در زمینه تعرفه های گمرکی که بین بازیگران این پیمان ناهماهنگی با رویه های تجارت منطقه ای و حتی دشوار شدن مسیر پیوستن به نهادهای بین المللی ازجمله سازمان تجارت جهانی در سال های پیش رو در کنار انزوای اقتصادی ایران در بلندمدت ذیل اثرات اقتصادی عدم حضور در زنجیره ارزش منطقه ای قابل بررسی است. از منظر دوم عدم التزام به قواعد تسهیل کننده بین المللی دارای آثار اقتصادی قابل توجهی بر محیط کسب و کار داخلی خواهد بود. زیرا عدم پیوستن و تبعیت از نظام های هماهنگ کننده بین المللی که از درس های آن می توان در محیط کسب و کار داخلی بهره جست می تواند به عدم نهادسازی های مرتبط و عدم حرکت در مسیر تسهیل محیط کسب و کار داخلی دامن زد. از نظر اتاق ایران، بازیابی در سیاست های تجاری کشور ضروری است؛ نخست آنکه منش فکری و الگوی رفتاری بدنه تصمیم گیر و تصمیم ساز جامعه باید به سمت همگرایی با دنیا، تعامل سازنده بر مبنای منافع اقتصادی متقابل و مشارکت در بلوک های اقتصادی به جای بلوک های ایدئولوژیک تغییر کند و سپس علاوه بر تکیه بر مزیت های نسبی کشور که در شرایط فعلی بیشتر متکی بر منابع و خام فروشی هستند باید به خلق مزیت و ایجاد ارزش افزوده بپردازیم تا بتوانیم از منافع اقتصادی و استراتژیک حضور در شبکه تعاملات بین المللی به طور متقابل منتفع شویم. در همین راستا موضوع بهره گیری از فرصت احیای برجام دارای اهمیت است.